

زهرا حسین آبادی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۰

سیری در آثار خوشنویسی خواجه عبدالله مروارید کرمانی

چکیده

هنر خوشنویسی و کتابت قرآن مجید از ممتازترین و زیباترین تجلیات هنر اسلامی است که از مقامی شایسته و ارجمند در میان مسلمانان جهان برخوردار است. خوشنویسان مسلمان، به سبب علو شأن و اهمیت کلام الهی، نه تنها در زیبایی نوشتاری آن می کوشیدند، بلکه نسخه های نفیس قرآنی را به بهترین شکل ممکن می آراستند. اهمیت و جایگاه هنر خوشنویسی در میان مسلمانان سبب شد تا مقام و منزلت هنرمندان و پدید آورندگان این آثار نیز افزایش یابد. خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید کرمانی یکی از هنرمندان خوشنویس دوره تیموری است که نسخه نفیسی از قرآن مجید را به رشته تحریر درآورده است. اما علی رغم معرفی دیگر جنبه های علمی و هنری وی، کمتر به این جنبه از هنر او یعنی فن شریف مصحف نویسی پرداخته شده است. هدف این مقاله معرفی آثار خوشنویسی خواجه عبدالله مروارید است. این پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی است و با تکیه بر منابع تاریخی و اسناد باقی مانده تدوین شده است. نتیجه اینکه این توجه و علاقمندی ریشه در تأملات و تفکرات فراوانی دارد که اندیشمندان و هنرمندان اسلامی در کتاب وحی الهی یعنی قرآن مجید داشته اند. سیری در آثار خوشنویسی خواجه عبدالله مروارید نشان از آن دارد که او علی رغم اشتغال به کارهای دیوانی، از قابلیت های هنری والایی در زمینه خوشنویسی برخوردار بوده است که اوج آن را در خوشنویسی قرآن کریم و ادعیه عربی - فارسی او می توان مشاهده کرد.

کلید واژه:

قرآن مجید

ادعیه دینی

خوشنویسی

خواجه عبدالله مروارید

مقدمه

هنر خوشنویسی از جمله برجسته‌ترین نمونه‌های هنر اسلامی است که در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و در زمره هنرهای مقدس قرار دارد (بوکهارت، ۱۳۸۱: ۱۵۰). علو مرتبه و شأن این هنر سبب گردیده است که بسیاری از عرفا جایگاه و ارزش لوح و قلم را با عرش برین برابر بدانند (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۲۱). قلم و کتابت در دین مبین اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و قرآن مجید، معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص)، نیز با کلماتی در مورد نوشتن آغاز شده است. بسیاری از عرفا برآنند که زبان و خط ودیعه‌هایی الهی هستند که آدمی را به شناخت معرفت الهی رهنمون می‌گردند (مدد پور، ۱۳۸۴: ۱۶۴). وجود آیات متعددی از قرآن کریم در مورد قلم و کتابت بیانگر اهمیت این امر است.^(۱)

گسترش اسلام در سرزمین ایران که با دوره رشد و شکوفایی هنرهای ایرانی در عصر ساسانی مقارن بود، سبب توفیق گسترده ایرانیان در زمینه خلق آثار هنری متنوع و آشنایی آن‌ها با آیات الهام بخش قرآن کریم، در نخستین سده‌های ظهور اسلام گردید. گستردگی فعالیت این هنرمندان در عرصه کتابت قرآن مجید موجب می‌شود که به توان هنر خوشنویسی قرآن کریم را وسیله مناسبی برای بیان ارادت ایرانیان به مقام شامخ وحی و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به شمار آورد که بیش از همه هنرها با دیدگاه زیباشناختی مردم ایران سازگاری داشته و تقریباً همه اندیشه‌های آرمانی و هنری آن‌ها را تجسم بخشیده است (اکرم، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

این توجه به کتابت قرآن کریم در طول تاریخ تمدن ایرانی - اسلامی، از شکل‌گیری نخستین نهادهای حکومتی اسلامی در ایران تا دوران معاصر، همچنین نشان از توجه ویژه، امرای برجسته ایرانی به این موضوع دارد، به گونه‌ای که بسیاری از وزراء، شاهان و شاهزادگان برجسته از جمله: ابن مقله (ف ۳۲۸ ه.ق)، یاقوت مستعصمی (ف ۶۹۷ ه.ق)، بایسنقر میرزا (۸۰۲ ه.ق / ۸۳۷ ه.ق) و ابراهیم سلطان (۷۹۶ ه.ق / ۸۳۸ ه.ق) (از شاهزادگان هنرمند و هنرپرور دوران تیموری)، خواجه عبدالله مروارید (ف ۹۲۲ ه.ق) (وزیر مقتدر دوران تیموری)، شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ ه.ق / ۹۸۴ ه.ق)، بهرام میرزا (ف ۹۵۶ ه.ق) و ابراهیم میرزا (۹۵۰ ه.ق / ۹۸۴ ه.ق) (شاهزادگان هنرمند دوران صفوی) و کسان دیگری همانند آن‌ها، نه تنها نقش مؤثری در حمایت و خلق آثار قرآنی ایفا نمودند، بلکه تعدادی از آن‌ها در طول حیات خویش توفیق کتابت قرآن کریم را پیدا نمودند که از جمله این افراد می‌توان به افرادی چون: ابن مقله، یاقوت مستعصمی، بایسنقر میرزا، ابراهیم سلطان و خواجه عبدالله مروارید کرمانی اشاره کرد.

شهرت خوشنویسان برجسته‌ای همچون ابن مقله، یاقوت مستعصمی و شاهزادگان فرهیخته تیموری در زمینه کتابت قرآن کریم سبب جلب توجه پژوهش‌گران بسیاری به این موضوع گردیده و آثار متعددی در زمینه جایگاه و آثار هنری نفیس آنان به رشته تحریر درآمده است (۲) اما خواجه عبدالله مروارید کرمانی (ف ۹۲۲ ه.ق) وزیر هنرمند و فرهیخته دربار تیموری که از مشاهیر خوشنویس عصر خود بوده، از جمله هنرمندان و مصحف نویسانی است که کمتر ذکری از او در این باره به میان آمده است.

مهم‌ترین سؤالاتی که در این زمینه مطرح گردیده، بدین قرار است که: خواجه عبدالله مروارید کرمانی کیست و از چه جایگاهی در بین اهل سیاست و هنر برخوردار بوده است؟ و دیگر این که فعالیت ایشان در زمینه نگارش قرآن کریم و ادعیه دینی چه مواردی را در بر می‌گیرد؟

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های به عمل آمده پژوهشی مشابه در این زمینه مشاهده نشد و مشخص گردید که با وجود آن که در منابع تاریخی متعددی همچون؛ تذکرة الشعرا (غازی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۳۸۲)، ریاض الشعرا (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۷۴) و عرفات العاشقین و عرصات العارفین (اوحدی دقافی، ۱۳۸۸: ۷۷۵) و آثار دیگری نظیر آن، از این هنرمند برجسته یاد شده، لیکن بیش‌تر به مرتبه شعری خواجه عبدالله مروارید پرداخته شده و مهارت ایشان در زمینه خوشنویسی چندان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. جهت دستیابی به نتیجه بهتر، این پژوهش در دو

تصویر ۱: صفحه‌ای از قرآن کریم، به خط کوفی بر روی پوست، قرن دوم هجری، به شیوه ابو الاسود دولی مأخذ (محفوظی، ۱۳۸۷: ۲۴).



بخش کلی تدوین گردیده که بخش اول به معرفی مختصر تاریخی کتابت قرآن کریم از ابتدا تا پایان عصر صفوی اختصاص داشته و در بخش دوم به معرفی خواجه عبدالله مروارید و نمونه‌های خوشنویسی وی پرداخته می‌شود.

نظری به سیر تاریخی مصحف نویسی

تاریخ خوشنویسی در دنیای اسلامی با نوشتن نص قرآن مجید با خط مجمل کوفی بر قطعاتی از پوست آغاز شد (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۶). اهمیت نگارش دقیق و جامع کلام الهی از همان نخستین سده‌های ظهور اسلام موجب شد که گروهی از خوشنویسان زبده به نام کاتبان وحی مسئولیت نگارش قرآن مجید را بر عهده گیرند. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که پیامبر اکرم (ص) گروهی چهل نفره را برای کتابت قرآن مجید برگزید و آن‌ها در زمره نخستین کاتبان وحی قرار دارند. برخی از این افراد عبارتند از: حضرت علی (ع)، ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت، ابی بن کعب، خالد بن ولید، ثابت بن قیس، معاویه بن ابی سفیان، عمرو بن عاص و محمد بن مسلمه (مفتخری، ۱۳۸۴: ۶۷).

از نظر اکثر خوشنویسان مسلمان، نخستین خط کامل متعلق به حضرت علی (ع) بوده و او نه تنها در زمره یکی از نخستین کاتبان وحی بلکه در شمار یکی از نخستین خوشنویسان مسلمان نیز قرار دارد (اتینگهاوزن، ۱۳۸۷: ۲۲۳۳).

در همان اولین سده‌های ظهور اسلام و توسعه و گسترش خط عربی، توجه به کتابت قرآن کریم نیز در بین مسلمانان رواج یافته و نگارش کلام وحی به نوعی عبادت معنوی و مقدس

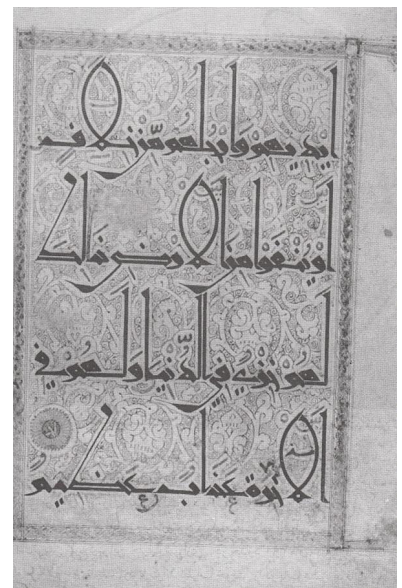
تبدیل شد. در حالی که نوشتن متن‌های مختلف به خط نسخ در جامعه متداول بود، کاتبان وحی با استفاده از خط کوفی، شیوه‌های جدیدی را در کتابت قرآن ابداع کردند. «ابوالاسود دوئلی» از تابعین و ملازمین حضرت علی (ع)، یکی از نخستین کسانی بود که به شیوه نوشتار قرآن مجید توجه ویژه‌ای نشان داد (هراتی، ۱۳۸۰: ۵۳). تصویر (شماره ۱) نمونه‌ای از آثاری است که مربوط به قرن دوم هجری قمری بوده و به سبک او نوشته شده است.

تکامل خط عربی در طول قرن‌های دوم و سوم هجری ادامه یافت. با انتخاب بغداد به عنوان مرکز حکومت اسلامی، خوشنویسی به عنوان یکی از مظاهر هنرهای اسلامی مورد توجه قرار گرفت (شایسته‌فر، ۱۳۸۹: ۱۷). گستردگی سرزمین‌های اسلامی در این دوران باعث تنوع شیوه‌های نوشتاری خط کوفی شد. گوناگونی این سبک‌ها مشکلاتی را برای قاریان و کاتبان قرآن به وجود آورد تا آنکه هنرمندی ایرانی به نام «ابن مقله شیرازی» (ف ۳۲۸ ه.ق) دست به اصلاحاتی در این زمینه زد. وی از خط کوفی تحریری شش قلم متمایز، معروف به «اقلام سته» را به وجود آورد که عبارتند از: نسخ، ثلث، محقق، ریحان، توقیع و رقاع که هر یک برای نوشتن موضوعی خاص به کار می‌رفت. قلم ریحان برای نوشتن قرآن و ادعیه، قلم ثلث برای تعلیم خوشنویسی، قلم رقاع برای امور دیوانی، قلم توقیع برای کتابت فرمان‌ها و منشورها، قلم محقق برای نوشتن شعر و قلم نسخ برای کتابت قرآن کاربرد داشتند (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳۲۷).

پس از ابن مقله هنرمند ایرانی دیگری به نام علی بن هلال معروف به «ابن بواب» (ف ۴۲۳ ه.ق) این روند را تکامل بخشید. وی اصول و قواعدی را که توسط ابن مقله وضع شده بود، کامل کرد و با به کارگیری حرکت و منحنی حروف، تناسب‌های خوش‌آیند و چشم‌نوازی را در خوشنویسی پدید آورد که متأثر از هندسه و تناسب‌های ریاضی بود (خزایی، ۱۳۸۱: ۱۳). قرآن کوچک و منحصر به فرد کتابخانه «چستریتی» (Chester Beatty) شهر دوبلین، پایتخت ایرلند که توسط او کتابت شده، امروزه یکی از شاهکارهای هنر اسلامی به شمار می‌رود.

در خلال سده‌های چهارم و پنجم هجری قمری، «خط قرآنی» با شکل‌های متنوع و گوناگونی گسترش یافت به طوری که در اکثر آثار هنری این دوران می‌توان انواع متفاوتی از خط کوفی برگ‌دار، پیچ‌دار و گل‌دار را مشاهده کرد. (تصویر ۲) این تصویر که به خط کوفی نوشته شده، مشهورترین نمونه قرآنی است که قطعات مختلف آن در موزه‌های سراسر جهان پراکنده شده است (شیمل، ۱۳۷۹: ۱۹۸). کتیبه‌های خوشنویسی شده به این شیوه در بناهای تاریخی این دوره نیز به چشم می‌خورند.

سومین استاد بزرگ ایرانی که در نوشتن خط ثلث و نسخ مهارتی بی‌بدیل داشت، ابوالمجد جمال‌الدین یاقوت بن عبدالله مشهور به «یاقوت مستعصمی» و ملقب به «قبة‌الکتاب» (وفات ۶۹۷ ه.ق) بود. وی برجسته‌ترین خوشنویس قرن هفتم هجری بود که اعتبار پردازش «اقلام سته» به او داده شده است. گفته می‌شود شش شیوه قلم مدور یاقوت که معمولاً در جفت‌هایی از قلم جلی و خفی (ثلث و نسخ، محقق و ریحان، توقیع و رقاع) مرتب شده‌اند، به شش پیرو او رسیده و تا به امروز به عنوان شیوه‌های عمده کتابت قرآن و متون عربی باقی‌مانده است (بلر، ۱۳۸۴: ۱۰۳). عبدالله صیرفی، مبارک شاه بن قطب، ارغون الکاملی، احمد بن السهروردی، محمد بن حیدر الحسینی و پیر یحیی صوفی از خوشنویسان برجسته‌ای هستند که نقش مؤثری در ترویج شیوه خوشنویسی یاقوت ایفا کردند هنر یاقوت در بغداد با حمایت مغولان به اوج شکوفایی رسید (همان).

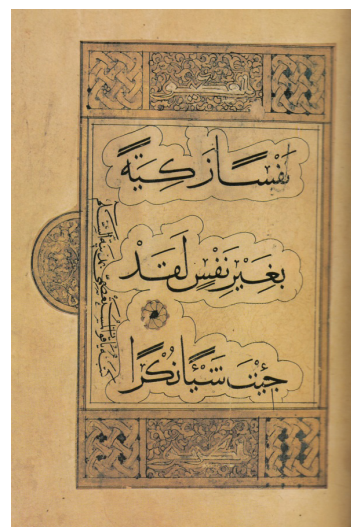


تصویر ۲: صفحه‌ای از قرآن کریم، به خط کوفی، سده پنجم، موزه هنرهای اسلامی برلین مأخذ: (شیمل، ۱۳۷۹: ۱۹۶).

بررسی قرآن‌های دوره ایلخانی نشان می‌دهد که در این آثار اقلام سته در نهایت کمال و زیبایی نوشته شده و برای نگارش متن آیات، ترجمه آن‌ها و سرسوره‌ها از قلم‌های متفاوت استفاده می‌شد. در آن دوره استفاده از خط‌های نسخ و ثلث و همچنین خطوط محقق و ریحان برای نگارش قرآن متداول بود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۱). در دوره تیموری کتابت و خوشنویسی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نمود و خطاطان ایرانی در همه شیوه‌های تحریری توانمندی خود را در حد کمال آشکار ساختند (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۹). پیدایش خط نستعلیق یکی دیگر از شاهکارهای خوشنویسان

سمت راست تصویر ۳: صفحه‌ای از قرآن کریم، به خط یاقوت مستعصمی، مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۰: ۶۷).

سمت چپ تصویر ۴: صفحه‌ای از قرآن کریم منسوب به بایسنقر میرزا، قرن دهم، مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۴۸).



و کاتبان ایرانی بود. میر علی تبریزی (وفات ۸۵۰ ه.ق) با تلفیق خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را ابداع کرد. به رغم تداوم اقبال عمومی به قلم‌های شش‌گانه یاقوت، خط نستعلیق در نیمه دوم سده نهم، سراسر سده دهم و پس از آن اهمیت قابل ملاحظه‌ای یافت. این شیوه خوشنویسی به سرعت در همه کشورهایایی که تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بودند، رایج شد و در هر کدام از این مناطق مختصر تغییراتی پیدا کرد (شیمیل، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

اقبال شاهان و شاهزادگان تیموری و صفوی به هنر خوشنویسی پس از این دوران، منجر به خلق آثار بسیار درخشانی در زمینه کتابت قرآن مجید شد. در این دوران، خوشنویسی و کتابت قرآن نوعی امتیاز به حساب می‌آمد و اغلب جانشینان تیمور نه تنها در زمینه خط شناسی از مهارت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، بلکه خود از استادان نام‌آور عرصه خوشنویسی نیز محسوب می‌شدند. ابراهیم سلطان، شاهزاده تیموری (ف ۸۳۸ ه.ق) در هر شش شیوه خط تحریری استاد بود. قرآنی به خط او به تاریخ (۸۳۴ ه.ق) به قلم ریحانی نوشته شده است. برادر وی بایسنقر میرزا نیز از استادان برجسته خط ثلث بود. اوراق پراکنده یکی از قرآن‌های او که به قلم محقق نوشته شده اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به کتابخانه آستان قدس رضوی اشاره کرد (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۱۰۳). (تصویر ۴) نمونه‌ای از آثار اوست.

هنر خوشنویسی در دوره صفویان، به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یافت. بیش‌ترین خطوطی که توسط خوشنویسان صفوی استفاده می‌شد، مجموعه‌ای است از شش خط (اقلام

سته) که دامنه گسترده‌ای از خطوط تشریفاتی با ظاهر هندسی دقیقی چون محقق و ریحان که برای نسخه برداری از قرآن بسیار محبوب بود، تا گونه‌های محکم و قوی چون خط ثلث را در بر می‌گرفت (سوچک، ۱۳۸۵: ۶۰). شاه محمود نیشابوری از خوشنویسان برجسته‌ای بود که نسخه نفیسی از قرآن را در تاریخ (۹۴۵ ه.ق) به رشته تحریر در آورد. با آن که در این دوره استفاده از خط نستعلیق برای نوشتن متون عربی چندان رایج نبود، اما اصرار وی در به کارگیری خط نستعلیق برای نگارش قرآن نتیجه‌ای نیکو و شایسته به بار آورد. (تصویر ۵). عبارت «در سایه رحمت الهی و الطاف ملوکانه این قرآن از بدو تا ختم به خط نستعلیق کتابت شد» نشان دهنده میزان رضایت و افتخار او از انجام این امر است. شاه محمود نیشابوری با انجام این اقدام توانست باور برخی از هنرمندان خوشنویس، مبنی بر کراهت استفاده از خط نستعلیق برای کتابت قرآن مجید را از بین ببرد (پات، ۱۳۹۰: ۴۰).

چنان که قبلاً ذکر شد، خدمات برجسته این خوشنویسان به فرهنگ و تمدن اسلامی نه تنها بر احترام آنان در میان معاصرانشان افزود، بلکه در تداوم منزلت بسیار والای آنان تا به امروز نیز بسیار مؤثر بوده است.

خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید

خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید (ف ۹۲۲ ه.ق)، متخلص به بیانی، فرزند خواجه شمس الدین محمد کرمانی، از اشراف کرمان و وزیر دربار تیموریان بود. گویند وقتی پدرش از طرف امرای تیموری به رسالتی به بحرین رفت، در بازگشت از آن جا چند دانه مروارید گرانبها به ارمغان آورده و از آن پس به مروارید معروف شد و این نام در خاندان وی برجای ماند (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). خواجه عبدالله به حسن سیرت، صورت، گفتار و مکارم اخلاق شهرتی تمام داشت. او در عنفوان جوانی به خدمت سلطان حسین بایقرا، امیر تیموری رسیده و نزد آن امیر قربت یافت (رازی، ۱۳۷۸: ۲۹۷). معاصران خواجه شهاب الدین عبدالله ضمن بیان فضایل وی به جایگاه شامخ او در دربار تیموری نیز اشاره کرده‌اند چنان که غازی سمرقندی در تذکره الشعرا آورده است: «حق سبحانه و تعالی آن چه اشراف الناس را باید و به کار آید، از علم و فضل و طهارت باطن و لطافت ظاهر و اخلاق حمیده و هنر پسندیده بدین ذات ملکی صفات ارزانی داشت، با وجود فضل و استعداد خطش در زیبایی کجناح الطاوس و انشایش در نیک رابی کنشاة النفوس است. نسخش در متانت ناسخ یاقوت است و روح را از دیدن توقیعیش غذا یاقوت است، کفایتش دیوان صدارت به قانون ساخت و نوای قانونش دل‌های عشاق را بی‌قانون کرد. لاجرم طبع سلطان روزگار که معیار فضل است به تربیت این فاضل مایل شد» (غازی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۳۸۲) و پس از آن پیوسته به منزلت وی افزوده شد، تا آن که به مرتبه امارت رسیده و به جای امیر علی شیر نوایی بر فرمان‌ها مهر می‌زد (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). خواجه عبدالله همچنان سال‌ها با احترام به آن کار اشتغال داشت تا آن که خواجه قوام الدین نظام الملک در دربار سلطان حسین بایقرا، عهده‌دار امور شد و از این دوران بود که، خواجه عبدالله به طیب خاطر از شغل خود استعفا کرده و به مدت سه سال انزوا اختیار نمود. پس از برکناری خواجه قوام الدین، وی دوباره به شغل سابق بازگشته و تا پایان دوره زندگی سلطان حسین بایقرا به فعالیت پرداخت. با رحلت سلطان، خواجه عبدالله مروارید نیز گوشه نشینی اختیار کرده و به کتابت قرآن مجید مشغول شد.

بیش تر تذکره‌نویسان مهارت خواجه شهاب الدین عبدالله را در خوشنویسی ستوده‌اند. چنانکه در تاریخ رشیدی نیز ضمن اشاره به این نکته آمده، خط نستعلیق را پس از سلطان محمدنور



تصویر ۵: صفحه‌ای از یک مجموعه آیات قرآن کریم، به خط شاه محمود نیشابوری، قرن دهم، مآخذ: (خلیلی، ۱۳۷۹: ۹۷).

کسی به شیوایی و شیوه او چون خواجه عبدالله بیانی ننوشته است (بیانی، ۱۳۶۳: ۳۵۱). نویسنده کتاب مناقب هنروران، نام او را در شمار خطاطان چپ دست، دیوانی و سیاق نویسنده ذکر کرده و می‌نویسد: هنگامی که الغ بیک، امیر تیموری، بر خراسان حاکمیت یافت، خواجه عبدالله مروارید و خوشنویس دیگری به نام اظهر تبریزی را با خود به سمرقند برده و امر کتابت در کتابخانه را به ایشان سپرد. وی ضمن ستایش از شیوه خوشنویسی او در بیان مهارتش می‌نویسد: «خطوط پر نور حکمت نشان، در شش قلم کم صباح الفانوس بر صفحات سفید، ضیا بخش مجالس معقول و محسوس بود» (عالی افندی، ۱۳۶۹: ۹۸). آنچه از نوشته‌های وی بر می‌آید حکایت از آن دارد که خواجه عبدالله در خطوط اصول، شاگرد خواجه عبدالله هروی طباطبائی و در خط تعلیق شاگرد خواجه تاج سلمانی بوده است.

مهارت خواجه عبدالله مروارید نه تنها در خوشنویسی زبانزد خاص و عام بود، بلکه آشنایی او با اکثر علوم و فنون نیز اعجاب و تحسین همگان را برانگیخته بود. وی در نظم و نثر دستی قوی داشته، در موسیقی و ادوار نیز صاحب نظر بود. از آثار وی منشآت، دیوان اشعاری با عنوان مونس الاحباب، تاریخ شاهی و مثنوی خسرو و شیرین را یاد کرده‌اند. این رباعی از اوست:

یاری که مرا صحبت جان بی تو مباد
وز هستی من نام و نشان بی تو مباد
انجام زمانه یک زمان بی تو مباد
راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۱۰۱.

گویا خواجه عبدالله مروارید کرمانی از تصوف بهره‌مند بوده (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۳۷۴) و در مدح ائمه اثنی عشر نیز اشعار غزایی سروده است (اوحدی دقاقی، ۱۳۸۸: ۷۷۵).

وی در سال (۹۲۲ ه.ق) دارفانی را وداع گفته و در هرات مدفون گردید. خطوط متعددی از او در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شود. خوشنویسی تعدادی از متون قرآنی و ادعیه مختلف بخشی از آثار اوست که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

در گنجینه آستان قدس رضوی، قرآن خوشنویسی شده‌ای به خط نسخ مربوط به قرن نهم هجری وجود دارد که منسوب به خواجه شهاب الدین عبدالله است. این نسخه ۵۴۱ برگ داشته، دارای ابعاد ۲۴ × ۳۳ سانتی‌متر بوده و دارای جلد چرمی می‌باشد. دو صفحه اول این قرآن با ترصیع و تذهیب پر کار هراتی مزین شده، دارای نشان‌های مدور و مذهب بوده و فواصل آیات آن ستاره نشان است. اسامی سوره‌ها نیز به خط رقا و قلم زر کتابت گردیده. این قرآن بسیار نفیس که در زمره یکی از زیباترین آثار این مجموعه به شمار می‌رود، حاکی از مهارت خواجه عبدالله مروارید در هنر خوشنویسی است.

قرآن دیگری نیز در مجموعه نسخ خطی دکتر محفوظی نگهداری می‌شود که منسوب به خواجه عبدالله است. (تصویر ۷).

در مورد شیوه نوشتار و نوع این نسخه، از جانب محققان و نسخه‌شناسان، اظهار نظر صریحی صورت نگرفته اما این نسخه نمونه‌هایی از خطوط ثلث، محقق و نسخ را با خود به همراه دارد. صفحات این قرآن دارای جدول کشی است و آیات کلام الله در فواصل میان آن‌ها در نوزده سطر به صورتی بسیار منظم به رشته تحریر در آمده است. این روش ترکیب‌بندی که در گذشته برای نگارش قرآن کریم و ادعیه مورد استفاده قرار می‌گرفت، مبنی بر استفاده از خطوط متنوع برای ایجاد زیبایی بیشتر در کتابت بود. جهت دستیابی به نتیجه بهتر هنرمند، قسمت‌های مختلف متن را به صورت یک در میان، به نوارهای پهن و باریک تقسیم کرده، قسمت‌های اول، سوم، پنجم



تصویر ۶: صفحه‌ای از قرآن کریم، به خط خواجه عبدالله مروارید، گنجینه قرآن، مأخذ: (شایسته‌فر، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

و هفتم با خط جلی و واحدهایی که در میان آن‌ها قرار گرفته با خط خفی کتابت گردیده است که نتیجه آن ایجاد نوعی تنوع دلپسند و زیبا در شیوه نوشتار می‌باشد. این صفحه‌ها تذهیب و حاشیه ندارند و صفحه‌آرایی بسیار ساده‌ای دارد. علامت فصل هر آیه با دایره‌ای ساده مشخص شده است. ویژگی‌های ظاهری این قرآن بر خلاف سایر قرآن‌های تیموری که دارای تزئینات بسیار مفصل و پیچیده بود، از هر نوع آرایه‌ای مبرا است که نوعی زیبایی ساده و اصیل را به نمایش می‌گذارد. در این دست نوشته، بیان اصلی متن از طریق وضوح و تأثیر گذاری شیوه نگارش و خوشنویسی



به بیننده القا شده است.

همچنین از خواجه عبدالله مروارید، جنگ ادعیه عربی-فارسی بسیار نفیسی نیز باقی مانده است. تصاویر (۸، ۹، ۱۰ و ۱۱) بخش‌هایی از این جنگ می‌باشند، که در ادامه این نوشتار به آن پرداخته می‌شود یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این نسخه که در تمامی تصاویر قابل مشاهده می‌باشد، همانند نسخه پیشین، استفاده از قواعد رایج تقسیم‌بندی متن در این دوران است. در این نسخه نیز، قسمت‌های مختلف نوشته به صورت یک در میان به نوارهای پهن و باریک تقسیم شده، بخش‌های اول، سوم و پنجم به خط جلی و به شیوه‌ای بسیار تأثیرگذار و استوار کتابت گردیده و واحدهایی که در میان آن‌ها قرار گرفته‌اند نیز در پنج سطر به خط خفی بسیار زیبا نوشته شده‌اند. صفحات به دقت جدول کشی و رنگ‌آمیزی گردیده و به شیوه‌ای بسیار زیبا با نقوش گیاهی و با استفاده از رنگ‌های طلایی تزئین شده است. تذهیب این اثر که در کمال سادگی انجام شده از آرایه‌های مبالغه‌آمیز عاری است. با وجود آن‌که در تزئین این صفحات اسلوبی مشابه به کار رفته، اما تفاوت مشخصی در شیوه استفاده از نقوش گیاهی میان تصویر (تصویر ۸) و سایر تصاویر مشاهده می‌شود. در این صفحه نوشته‌های داخل کتیبه‌های میانی نیز با رنگ طلایی تزئین شده که در سایر تصاویر چنین کاری صورت نگرفته است. متن با مرکب سیاه کتابت گردیده و به دقت اعراب گذاری شده است. شیوه طراحی حروف

سمت راست تصویر ۷: صفحه‌ای از قرآن کریم به خط خواجه عبدالله مروارید، قرن دهم، مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۶۴).
وسط تصویر ۸:
صفحه‌ای از ادعیه عربی و فارسی، به خط خواجه عبدالله مروارید، قرن دهم، مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).
سمت چپ تصویر ۹:
صفحه‌ای از ادعیه عربی و فارسی، به خط خواجه عبدالله مروارید، قرن دهم، مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

و خوشنویسی اثر، نشان از مهارت خواجه عبدالله مروارید در هنر خوشنویسی دارد. شیوه نگارش حروف «د»، «الف» و «ل» در عبارت «أَحَدٌ يَلَا مِثْلَ» (تصویر ۸)، حروف «م»، «ز»، «و»، و «ز» در عبارت «وقت نيمروز برسيد» (تصویر ۱۰)، حروف «ن»، «ز»، «و» و «م» در عبارت «من جبرئيل»، حروف «ن»، «ز»، و «د» در عبارت «من از دنيا» (تصویر ۱۱) و مواردی مشابه آن، نشان دهنده بهره‌گیری هوشمندانه خواجه عبدالله از شکل حروف در نگارش کلام بوده که سبب زیبایی بیشتر این نوشتار گردیده است. استادی و مهارت وی در هنر کتابت با توجه به عبارت

سمت راست تصویر ۱۰:
صفحه‌ای از ادعیه عربی و فارسی، به خط خواجه عبدالله مروارید، قرن دهم مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).
سمت چپ تصویر ۱۱:
صفحه‌ای از ادعیه عربی و فارسی، به خط خواجه عبدالله مروارید، قرن دهم مأخذ: (محفوظی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).



«إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمَلْمُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجْذَبَ» (تصویر ۹) بیش‌تر نمودار می‌شود. فشردگی حروف، تناسب آن‌ها با یکدیگر و تداخل مناسب و پسندیده کلمات برای ایجاد ترکیبی زیبا در این عبارت و نظایر آن، از موارد قوت کتابت خواجه عبدالله مروارید محسوب می‌شود.

نتیجه

قرآن مجید که معجزه پایدار و همیشگی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است، منشأ تحولات بسیار زیادی در فرهنگ و هنر جوامع مختلف اسلامی شده که هنر اسلامی و به خصوص خوشنویسی سهم عمده‌ای از این تحولات را دارد. تلاش هنرمندان اسلامی و خوشنویسان سبب گردیده تا در عرصه خوشنویسی ابتکارات و نوآوری‌های فراوانی صورت گیرد. در این بین خواجه عبدالله مروارید کرمانی که از جمله برجسته‌ترین خوشنویسان دوره تیموری است که با برخورداری از ذوق و مهارت قابل ملاحظه خود در زمینه مصحف‌نویسی، توانسته است که از این مهم به خوبی برآید. بی‌شک این توجه و علاقمندی ریشه در تأملات و تفکرات فراوانی دارد که اندیشمندان و هنرمندان اسلامی در کتاب وحی الهی، یعنی قرآن مجید داشته‌اند. سیری در آثار خوشنویسی خواجه عبدالله مروارید نشان از قابلیت‌های هنری والای وی در زمینه خوشنویسی دارد که اوج آن را در خوشنویسی قرآن کریم و ادعیه عربی- فارسی او می‌توان مشاهده کرد.

پی‌نوشت:

- ۱- از جمله: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۲). «ن و الْقَلَمُ وَ مَا يَسْطُرُونَ» (قلم: ۱). «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، إقرء و رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۱-۵).
- ۲- به عنوان مثال: (سکندری، ۱۳۸۳). (شایسته‌فر، ۱۳۸۸). (فدایی تهرانی، ۱۳۸۳).

منابع

- اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، «خوشنویسی (کلیات تاریخی)»، ترجمه هوشنگ رهنما، از کتاب سیری در هنر ایران، زیر نظر آتور پوپ و فیلیساکرم، ویرایش سیروس پرهام، ج ۴، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۱۹۶۱-۱۹۸۹.
- اتینگهاوزن، ریچارد (۱۳۸۷)، «تذهیب نسخ خطی»، ترجمه زهرا باستی، از کتاب سیری در هنر ایران، زیر نظر آتور پوپ و فیلیساکرم، ویرایش سیروس پرهام، ج ۵، تهران: علمی و فرهنگی، صص ۲۲۳۳-۲۲۷۸.
- اوحدی دقایی بلیانی، تقی الدین محمد (۱۳۸۸)، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، مقدمه، تصحیح و تحقیق متن: محسن ناجی نصر آبادی، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: اساطیر.
- بلر، شیلا (۱۳۸۴)، «یاقوت و پیروانش»، ترجمه محسن محمدی، آینه میراث، سال سوم، ش ۲، صص ۱۰۲-۱۲۸.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- بوکهارت، تیتوس (۱۳۸۱)، هنر مقدس (اصول و روش‌ها)، ترجمه جلال ستاری، ج ۳، تهران: سروش.
- پات، فریبو دیگران (۱۳۹۰)، «خوشنویسی در آغاز عصر صفوی: تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۴، ش ۱، صص ۳۳-۴۸.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱)، «ارزش‌های هنریمحصّر به فرد ابن بواب در کتابخانه چستربیتی شهر دوبلین»، نشریه دانشکده الهیات مشهد، ش ۵۵، صص ۱۱-۳۰.
- خلیلی، ناصر و صفوت، نیل‌ف (۱۳۷۹)، هنر قلم (تحول و تنوع در خوشنویسی اسلامی)، سر ویراستار جولیان رابی، ترجمه پیام بهتاش، ویراستار فارسی ناصر پور پیرار، تهران: نشر کارنگ.
- خلیلی، ناصر و جیمز، دیوید (۱۳۸۰)، کارهای استادانه (قرآن نویسی تا قرن هشتم هجری قمری)، سر ویراستار جولیان رابی، ترجمه پیام بهتاش، ویراستار فارسی ناصر پور پیرار، تهران: کارنگ.
- رازی، امین احمد (۱۳۷۸)، تذکره هفت اقلیم، تصحیح، تعلیقات و حواشی: محمد رضا طاهری، ج ۱، تهران: سروش.
- راقم سرقندی، میرسدیریف (۱۳۸۰)، تاریخ راقم، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- سکندری، علی‌جان (۱۳۸۳)، «بایسنقر میرزا، فرزند ملکه گوهر شاد آغا»، مشکوة، ش ۸۴ و ۸۵، صص ۱۹۹-۲۰۷.
- سوچک، پرسیلا (۱۳۸۵)، «خوشنویسی عصر صفوی»، ترجمه شروین فریدنژاد، نشریه هنرهای تجسمی، ش ۲۵، صص ۶۰-۶۶.
- _____ (۱۳۸۶)، «خوشنویسی در اوایل دوره صفویه»، ترجمه ولی الله کاوسی، فصلنامه گلستان هنر، ش ۱۰، صص ۲۴-۳۶.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۸)، «کتابت و تذهیب قرآن‌های تیموری در مجموعه‌های داخل و خارج»، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش ۱۰، صص ۹۹-۱۲۰.
- _____ (۱۳۸۹)، «خط و تذهیب در نسخ خطی قرآنی، قرون اول تا ششم و هفتم تا دوازدهم در کتابخانه کاخ گلستان»، کتاب ماه هنر، ش ۱۵۰، صص ۱۶-۲۲.
- شیمل، آنه ماری، (۱۳۷۹)، «شعر و خوشنویسی: ملاحظاتی درباره رابطه آن‌ها در فرهنگ ایرانی»، از کتاب اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، ویرایش ریچارد اتینگهاوزن و احسان یار شاطر، تهران: آگاکا.
- صفوی، سام میرزا (۱۳۸۴)، تذکره تحفه سامی، تصحیح و مقدمه رکن الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹)، مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، تهران: سروش.
- غازی سمرقندی، امیر دولت‌شاه بن علاءالدوله بختیشاه (۱۳۳۸)، تذکره الشعراء، تهران: چاپخانه خاور.
- فریه، ردبلیو (۱۳۷۴)، هنرهای ایران، تهران: فرزاد.
- فدایی تهرانی، مریم (۱۳۸۳)، «بررسی آثار قرآنی دوره تیموری»، کتاب ماه هنر، ش ۶۹ و ۷۰، صص ۵۲-۵۸.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاظمی، سامره (۱۳۸۵)، «سیر تحول کتابت قرآن تا سده‌های هشتم هجری (دوره‌ی ایلخانی)»، کتاب ماه هنر، ش ۹۱ و ۹۲، صص ۴۶-۵۷.
- مددپور، محمد (۱۳۸۴)، تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- محفوطی، محمد صادق و هاشمیان، محمد تقی، (۱۳۸۷)، آیینه مآثر، ترجمه بخش عربی: مهدی سلماسی، ترجمه بخش انگلیسی محمد والا، قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی.
- مفتخری، حسین و کوشکی، فرشته (۱۳۸۴)، «قرآء و نقش ایشاندر تحولات قرن اول هجری»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ششم، ش ۲۲، صص ۶۴-۱۱۰.
- واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی، (۱۳۸۴)، تذکره ریاض الشعراء، ج ۳، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصر آبادی، تهران: اساطیر.
- هراتی، محمد مهدی (۱۳۸۰)، «علی (ع) و کتابت قرآن»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲، صص ۵۲-۵۵.